

نخستین ماهواره زمین آهنگ ایران با موفقیت از پایگاه فضایی قزاقستان پرتاب شد و در مدار قرار گرفت

انقلاب جام جم در صنعت فضایی

شبه ۱۴۰۴ | ۲۵ بهمن ۱۴۴۷ | ۱۴ فوریه ۲۰۲۴ | سال هجدهم | شماره ۸ | صفحه ۱۰ | هزار تومان

تیتیر های امر وز



گزارش «وطن امروز» درباره ادعاهای اخیر صهیونیست‌ها مبنی بر حمله مجدد رژیم به ایران

قمیز تل آویو

گزارش «وطن امروز» درباره دیدار ترامپ - نتانیاهو و تأثیر آن بر مذاکرات ایران و آمریکا

نمایش در پشته

«کالین دوک» عضو اندیشکده امریکن اینتر پرایز: سیاست‌های ناپایدار ترامپ باعث شده دولت آمریکا درباره ایران نتواند به یک نتیجه قطعی دست یابد

بلا تگلیفی کاخ سفید

انتقاد پژشکیان از مواضع طیف رادیکال جریان موسوم به اصلاح طلب در قبال حوادث اخیر

صدای دشمن از اردوگاه اصلاح طلبان

پرونده ایستین اعتراف ناخواسته تمدن غرب به بی اخلاقی

حراج انسانیت

بازدارندگی ایران و بن بست راهبردی واشنگتن

بازدارندگی ایران و بن بست راهبردی واشنگتن

نگاه مهدی سیف‌تیریزی

تصمیم ایالات متحده برای تعلیق حمله نظامی به ایران را نمی‌توان صرفاً یک «هک تاکتیکی» یا نشانه‌ای از خوشبینی دید. این تصمیم به واقعیت رخ داد، نتیجه انباشت هزینه‌هایی است که راهبردی فشار و تهدید آمریکا در برابر ایران تولید کرده؛ هزینه‌هایی که در نهایت واشنگتن را در آستانه اقدام نظامی، وادار به عقب‌نشینی کرد. این تصمیم، بیش از هر چیز، نشانه‌ای روشن از کارآمدی بازدارندگی ایران و شکست منطقی زور در برابر یک بازیگر مستقل و مقاوم منطقه‌ای است. رهبر انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیان‌ات ۱۲ بهمن‌ماه، با صراحت اعلام کردند شروع هرگونه جنگ، این بار از سوی ایران به یک درگیری فراگیر و منطقه‌ای منجر خواهد شد؛ پیامی که برای تمام بازیگران خارجی روشن می‌کند: تهران نه تهدیدی قابل نادیده گرفته شده است و نه بسادگی از خطوط قرمز خود کوتاه می‌آید. این موضع رسمی، عمق راهبرد دفاعی ایران را نشان می‌دهد و معادلات واشنگتن را در آستانه هرگونه اقدام نظامی مستقیم، به سرعت به یک نقطه اجرا رسیده بود. توقف عملیات در چنین مرحله‌ای، به روشنی نشان می‌دهد مساله اصلی ایران را به یک ابزار راهبردی فعال تبدیل کرده و پیماندها، بوده است. ایران طی سال‌های گذشته موفق شده معادله‌ای امنیتی ایجاد کند که در آن، هرگونه اقدام نظامی مستقیم، به سرعت به یک درگیری زنجیره‌ای و چندسطحی تبدیل می‌شود؛ درگیری‌ای که نه جغرافیای آن محدود است و نه بازگشت آن قابل مهار. این واقعیت، بازدارندگی ایران را به یک ابزار راهبردی فعال تبدیل کرده که نوک پیکان فشار و تهدید خارجی را به ضرر نیروی متجاوز بازمی‌گرداند.

در کنار این عامل، ناتمام بودن چتر پدافند موشکی آمریکا و متحذانش، ضعف‌های ائتلافی و شکنندگی امنیت شرکتی منطقه‌ای، نقش تعیین‌کننده‌ای در عقب‌نشینی واشنگتن داشته است. آمریکا بخوبی می‌داند در صورت پاسخ ایران، نه تنها نیروها و تجهیزات مستقر در پایگاه‌هایش در منطقه، بلکه زیرساخت‌های حیاتی اسرائیل و متحدان غرب آن در معرض تهدید مستقیم قرار خواهد گرفت.

ادامه در صفحه ۸

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

وطن امروز

۱۹۱ سال و ۱۶۴ روز گذشت |

گفت‌وگوی «وطن امروز» با حسین میرزاحمدی کارگردان فیلم «بازی خونی»

زندگی مردم نباید متوقف شود

صفحه ۸ | VATAN-E-EMROOZ | VOL.18 | NO.4335 | SAT.FEB.14, 2026 | ISSN:2008-2886

پیام تشکر رهبر انقلاب از کار بزرگ ملت در راهپیمایی ۲۲ بهمن ۱۴۰۴

ایران را سربلند کردید

چرا انقلاب کردیم؟

مستندات تاریخ نشان می‌دهد انتخاب امینی، محصول فشار مستقیم واشنگتن بود. آمریکایی‌ها تصور می‌کردند شاه به تنهایی توان یا اراده اجرای اصلاحات عمیق را ندارد و به مهرهای هوشمند و نافذد مانند امینی نیاز است. در این برهه، ما شاهد یک پارادوکس در نظریه دولت دست‌نشانده هستیم: «قایت برای جلب رضایت نظامی و استقلال نسبی قوه مجریه بود. شاه که خود را «فراول» محبوب آمریکا می‌خواست، نمی‌توانست حضور یک «قیب» را که کانال مستقیم ارتباطی با واشنگتن داشت، تحمل کند. لذا برای عزل او راهی آمریکا شد تا آنجا این حکم صادر شود!

ماجرای برکناری امینی، سندی تکان‌دهنده در تایید نظریه دولت دست‌نشانده است. شاه فروردین ۴۱ در حالی که بشدت از محبوبیت امینی در کاخ سفید بیمناک بود، سفری راهبردی به آمریکا انجام داد. هدف این سفر، نه توافقات دوجانبه برای منافع ملی، بلکه «قانع کردن واشنگتن به بی‌کفایتی امینی و تعهد شخصی شاه به اجرای دستورات آمریکا» بود. شاه در این سفر ۱۵ روز در آمریکا ماند تا مقامات آمریکا را راضی به تغییر دولت ایران کند. پیامد این سفر وابستگی کامل شاه به آمریکا و بریدن از نخبان سیاسی داخلی که همپیمانان نظام پهلوی بودند بود. شاه در دیدارهای خود با کندی، به آمریکایی‌ها اطمینان داد خودش پیگیر تر از امینی است و تمام برنامه‌های مدنظر آنها از جمله اصلاحات ارضی را با قدرت بیشتری اجرا خواهد کرد. او عملاً به واشنگتن پیشنهاد داد نقش مجری وفادار را بدون واسطه‌های بی‌نام امینی ایفا کند. در واقع، شاه برای برکناری نخست‌وزیر مملکت خود، از یک قدرت خارجی «کسب تکلیف» کرد و «جازه» گرفت!

پدیرش این پیشنهاد از سوی آمریکا، منجر به استعفای امینی در تیرماه ۱۳۴۱ شد. با رفتن امینی، شاه نشان داد در الگوی دولت دست‌نشانده، حتی نخبان داخلی نیز در صورت داشتن استقلال نسبی، حذف می‌شوند تا رابطه مستقیم و بی‌واسطه «شاه-ارباب» حفظ شود.

انقلاب سفید که اندکی بعد توسط شاه اعلام شد، در واقع تحقق همان پروژه‌ای بود که آمریکا از دولت دست‌نشانده‌اش می‌خواست. مستندات تاریخی نشان می‌دهد بسیاری از اصول این انقلاب، نه از بطن

یادداشت جعفر حسن‌خانی

نظریه دولت دست‌نشانده یا در شکل منعطف‌تر آن دولت پیرامونی وابسته، بر این پیش‌فرض استوار است که حاکمیت سیاسی در یک کشور، فاقد پایگاه قدرت داخلی اعم از مشروعیت سنتی یا قرارداد اجتماعی مدرن است و بقای خود را وام‌دار حمایت‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی یک قدرت خارجی (هژمون) می‌داند. در این الگو، اولویت‌های حاکم نه بر اساس منافع ملی یا خواست عمومی، بلکه بر مبنای استراتژی‌های کلان قدرت حامی تنظیم می‌شود. تاریخ پهلوی، بویژه از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ تا سقوط در سال ۵۷، یکی از چگال‌ترین نمونه‌های تاریخی جهان برای بررسی این نظریه است و برای آن نمونه‌های تاریخی بسیاری می‌توان برشمرد. ماجرای برکناری «علی امینی» از مستندات برجسته‌ای است که پیوند میان تئوری وابستگی و کنشگری سیاسی محمدرضا پهلوی را تایید می‌کند.

نظریه وابستگی و صورت‌بندی قدرت در عصر پهلوی

بر اساس نظریه وابستگی، نخبان حاکم بر کشورهای در حال توسعه، به مثابه کمربادور یا واسطه‌هایی عمل می‌کنند که ساختار سیاسی-اقتصادی کشور را به اقتصاد جهانی (مرکز) گره می‌زنند. در عصر محمدرضا این رابطه فراتر از یک اتحاد دیپلماتیک ساده بود. پس از کودتای ۲۸ مرداد، شاه از نخبان داخلی و توده‌های مردم نامید شد و در اعتقاد به وابستگی که پیش‌تر پدرش آغاز کرده بود، محکوم‌تر شد. در نتیجه، خارج به منبع اصلی کسب قدرت تبدیل شد. دست‌نشانده در اینجا به معنای دولتی است که در بزنگاه‌های راهبردی، اراده قدرت خارجی را بر توازن قدرت داخلی ترجیح می‌دهد.

■ نمونه تاریخی تبلور بحران حکومت غیرملی یکی از حساس‌ترین فرازهای تاریخ پهلوی که به روشنی الگوی دولت دست‌نشانده را بازتاب می‌دهد، دوران نخست‌وزیری علی امینی (۱۳۴۱-۱۳۴۰) است. امینی، نواده قاجار و سیاستمدار سرشناس، زمانی به نخست‌وزیری رسید که دولت جان‌اف‌کندی در ایالات متحده بر ضرورت اصلاحات ساختاری در کشورهای متحد خود تاکید داشت. دموکرات‌های آمریکا معتقد بودند برای جلوگیری از سقوط ایران به دامن کمونیسم و پیش از وقوع انقلاب سرخ، باید «انقلاب سبز» یا اصلاحات ارضی و اجتماعی شکل گیرد.

شکست پیش‌بینی‌های تکراری «سقوط قریب‌الوقوع»

دیدگاه مهدی حسینی

مسافری ایران‌ایر در سال ۱۹۸۸ و وضع تحریم‌های فلج‌کننده ادامه داد. سال ۲۰۱۸ نیز دولت ترامپ به‌رغم تایید پابندی ایران، از برجام خارج شد و با تحریم‌های فشار حداکثری، ایران را از صدها میلیارد دلار درآمد نفتی محروم کرد تا اینکه در ژانویه ۲۰۲۰ دستور ترور ژنرال قاسم سلیمانی، معمار استراتژی بازدارندگی ایران را صادر کرد. با این حال، حقیقت این است که طرح اخیر آمریکا و اسرائیل برای تغییر رژیم، واکنشی خودجوش به حوادث میدانی نبود، بلکه استراتژی حساب‌شده‌ای است که اواخر سال ۲۰۲۵ پس از دیدار نتانیاهو و ترامپ در فلوریدا تدوین شده‌طرحی که بر ۴ رکن جنگ اقتصادی تشدیدشده برای تضعیف پول ملی، نفوذ عوامل آموزش‌دیده در جمع‌های برای تحریک به خشونت، کارزار تبلیغاتی هماهنگ برای القای فروپاشی و در نهایت مرحله مداخله مستقیم نظامی علیه اهداف حاکمیتی استوار شده است. «العربان به صراحت بیان می‌کنند هدف آمریکا باز مداخله احتمالی به‌رژیم بشردوستانه نیست و نخواهد بود و تنها ماسکی پوشیده بر صورت توسعه‌طلبی این دولت است. «هفته‌ها از این روایت استفاده شد تا چنین القا شود که هرگونه مداخله احتمالی به‌رهبری آمریکا صرفاً برآیند ناگزینی‌های بشردوستانه برای معترضان است اما اکنون با فروکش کردن اعتراضات، این نقاب از چهره پرفرمانده و ایالات متحده و اسرائیل اهداف زیرپوشتی خود را آشکار کرده‌اند: هدف قرار دادن برنامه هسته‌ای، توانمندسازی موشکی و موضوع حمایت ایران از جنبش‌های مقاومت در یمن، لبنان و فلسطین». به باور العربان، تمام بهانه‌هایی که غربی‌ها می‌گیرند فقط ریشه در ایده مقاومت در ایران دارد و غرب هرگز دل‌نگران وضعیت بشردوستانه مردم ایران نبوده و نخواهد بود. «واقعیت این است که مواجهه غرب با ایران هرگز ناشی از نگرانی برای مردم، دشواری‌های اقتصادی یا دموکراسی نبوده است، بویژه آنکه همین دولت‌ها با وضع تحریم‌های وحشیانه، اقتصاد ایران را به بحران کشانده‌اند. در حالی که ایران همواره آمادگی خود را برای مذاکره درباره محدودیت غنی‌سازی اعلام کرده و بر صلح‌آمیز بودن برنامه‌اش تاکید دارد، اسرائیل دهه‌هاست به دروغ ادعای نزدیکی ایران به سلاح هسته‌ای را مطرح می‌کند. برنامه موشکی ایران نیز که تهران آن را خط قرمز خود و ابزاری صرفاً دفاعی می‌داند، همواره هدف این فشارها بوده است. ریشه اصلی تلاش‌های واشنگتن و تل آویو برای تغییر رژیم را باید در ایستادگی ایران در مساله فلسطین و نقش محوری‌اش در «محور مقاومت» جست‌وجو کرد». به باور العربان، غربی‌ها هیچ شناختی از دولت و جامعه در ایران ندارند و نمی‌دانند فشار بر ایران به جای آنکه به تسلیم بینجامد، عزم ملی برای مقاومت را بیشتر می‌کند. «حقیقت نادیده گرفته شده توسط ناظران غربی، جامعه‌شناسی سیاسی یک کشور انقلابی است که دل انقلاب مردمی ۱۹۷۹ و جنگ ۸ ساله با عراق سربلند بیرون آمده است؛ تجربه‌ای که ساختار سیاسی ایران را در برابر کودتا، نفوذ و تغییر رژیم دست‌ساز خارجی مصون کرده است. پیش‌بینی‌های تکراری درباره سقوط «قریب‌الوقوع» ایران در سال‌های ۱۹۹۹، ۲۰۰۹، ۲۰۱۷، ۲۰۱۹، ۲۰۲۰ و ۲۰۲۲ همگی با شکست مواجه شدند چرا که غرب درک نمی‌کند فشارهای خارجی بر عکس عمل کرده و عزم ملی را برای حفظ حاکمیت جزم‌تر می‌کند.

در شبکه‌های اجتماعی

@vatanemrooz

